

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی نرودی دامت برکاته

دوره ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۶۲ - شنبه ۹۱/۱۱/۲۸

### نقد و بررسی اشکال دوم شهید صدر رحمته الله علیه بر کلام محقق عراقی رحمته الله علیه

در دوره ی سابق بحث اصول اشکال دوم شهید صدر رحمته الله علیه را پذیرفته بودیم، ولی به نظر می رسد که می توان از این اشکال پاسخ داد؛ زیرا منجزیت علم تفصیلی از این جهت است که موجب انکشاف معلوم می شود و همان گونه که بارها تکرار کرده ایم مرحله ی فعلیت حکم، وابسته به انکشاف و عدم آن نزد مکلف نیست، بلکه فقط مرحله ی تنجز و استحقاق عقوبت مربوط به انکشاف است.

زمانی که حکم فعلی با علم تفصیلی منکشف می شود بالطبع عقل حکم می کند که عصیان آن مساوی با استحقاق عقاب است و علی الفرض اگر حکمی منکشف نشود استحقاق عقاب در کار نخواهد بود. در صورتی که حکمی با علم تفصیلی منکشف شده و متنجز گردد و بعد از آن علم اجمالی حاصل شود که ممکن است منکشف آن، همان منکشف سابق بوده و مغایر با آن نباشد، چگونه و از کجا به واسطه ی علم اجمالی حکمی بر ذمه ی مکلف ثابت و منجز می گردد؟

زمانی علم اجمالی منجز است و استحقاق عقوبت می آورد و اثر دارد که انکشاف زائدی نسبت به یک تکلیف فعلی داشته باشد و در ما نحن فیه با فرض انکشاف معلوم به علم تفصیلی، چگونه می توانیم ادعا کنیم که با علم اجمالی، تکلیفی مغایر با آنچه منکشف شده است منکشف می شود، در حالی که منکشف به علم اجمالی احتمالاً با منکشف علم تفصیلی متحد است.

بنابراین انکشافی که استحقاق عقوبت بیاورد برای ما ثابت نمی شود و لامحاله اشکال دوم شهید صدر رحمته الله علیه نیز مندفع خواهد شد و حداقل در ما نحن فیه متنجز به علم تفصیلی دوباره با علم اجمالی متنجز نمی شود؛

زیرا اگر منکشف همان چیزی باشد که قبلاً متنجز شده است فاقد تأثیر است و غیر آن نیز ثابت نیست. در صورتی که یکی از اطراف علم اجمالی با آماره منکشف شود نیز تفاوتی با انکشاف به علم ندارد؛ زیرا طبق مبنای مختار، آماره نیز تعبداً در حکم علم است.

همچنین است در صورتی که اصل مُحَرَز مانند استصحاب مُثَبِتِ تکلیف در یک طرف معین باشد؛ زیرا استصحاب بقاء نجاست اثبات می‌کند که مثلاً إناء شرقی نجس است و در مقام عمل و جری عملی حکم نجاست را دارد و منجز است، لذا اگر علم اجمالی بخوهد همان را منجز کند فاقد اثر است و اگر بخوهد تکلیفی مغایر را منجز کند آن تکلیف ثابت نیست. لذا سخن محقق عراقی رحمته الله متین و محکم است. البته در صورتی که أحدالاطراف با اصل غیر محرز منجز گردد بحث جداگانه‌ای دارد که در آینده متعرض آن خواهیم شد.

### اشکال سوم شهید صدر<sup>۱</sup> بر کلام محقق عراقی رحمته الله

محقق عراقی رحمته الله فرمودند: علم اجمالی زمانی مؤثر است که بتواند به نحو مستقل، هر یک از طرفین را منجز کند. شهید صدر رحمته الله می‌فرماید: چه لزومی دارد که علم اجمالی به نحو استقلالی بتواند منجز باشد؟ اشکال دوم شهید صدر رحمته الله آن بود که می‌توانیم چند منجز به نحو مستقل داشته باشیم، اما در این اشکال بیان می‌کند اساساً چه مانعی وجود دارد که چند منجز مانند اسباب تکوینی که بر مسبب واحد وارد می‌شوند در یکدیگر مندک شوند و مجموعاً منجز باشند؟!

در مثال مذکور وقتی علم تفصیلی به نجاست إناء شرقی وجود دارد، در خصوص این إناء، علم اجمالی با إندکاک در علم تفصیلی منجز إناء شرقی است اما نسبت به إناء غربی علم اجمالی مستقلاً منجز است و هیچ مشکلی پیدا نمی‌شود. بنابراین علم اجمالی فاقد اثر نخواهد شد.

### نقد و بررسی اشکال سوم شهید صدر رحمته الله

با پاسخی که در اشکال دوم ذکر کردیم پاسخ این اشکال نیز به دست می‌آید؛ زیرا ما به دنبال آن هستیم که علم اجمالی مؤثر و معتبر باشد، و إلاً ممکن است در موارد مختلفی علم اجمالی موجود باشد اما هیچ اثری نداشته باشد.

---

۱. بحوث فی علم الاصول، ج ۵، ص ۲۵۱.

در ما نحن فيه طبق فرض، إناء شرقی حکماً منجّز شده است و لذا نمی‌توانیم احراز کنیم که علم اجمالی، تکلیف دیگری غیر از آنچه در إناء شرقی بوده است منجّز می‌کند؛ به دلیل آنکه احتمال می‌دهیم معلوم بالعلم الإجمالی همان إناء شرقی باشد و در نتیجه تنجّز دیگری ثابت نمی‌شود.

بنابراین اشکال سوم شهید صدر رحمته الله نیز مندفع است.

علمای متأخر از محقق عراقی و نائینی رحمتهما الله یا به دلیل ناتمام دانستن بیان این دو محقق و یا به دلیل مبهم دانستن این بیان‌ها، تلاش در ارائه‌ی بیان‌های بهتری کرده‌اند تا اشکالات متوهمه دفع گردد.

از آنجا که این مبحث، مبحث مهمی است برخی از بیان‌های دیگر را نیز ذکر می‌کنیم تا این مبحث کاملاً تبیین گردد.

### بیانی دیگر در انحلال علم اجمالی

هرگاه علاوه بر علم اجمالی، علم تفصیلی به تکلیف فعلی در یکی از اطراف علم اجمالی به صورت معین حاصل شود، علم اجمالی حقیقتاً منحل نمی‌شود لثبوته وجداناً، اما حکماً منحل می‌شود؛ به دلیل آنکه در چنین صورتی مکلف در حقیقت شک در ثبوت فعلی زائد بر تکلیف معلوم بالتفصیل دارد و روشن است که شک در تکلیف زائد، مجرای براءت است و در نتیجه تکلیف زائد با جریان براءت نفی می‌شود.

اساس این استدلال بر این استوار است که علم اجمالی زمانی منجّز است که متعلق به تکلیف فعلی مردّد بین طرفین باشد، لذا وقتی شک وجود دارد که آیا تکلیف زائدی وجود دارد، چگونه می‌توانیم احراز تکلیف فعلی مردّد بین اطراف کنیم و لذا علم اجمالی در این موارد مؤثر نیست.

این بیان در مواردی که تکلیف یک طرف معین با علم تفصیلی یا آماره یا اصل شرعی ثابت شود جاری است، اما در صورتی که تکلیف یکی از اطراف با اصل عقلی منجّز شود بعداً به آن خواهیم پرداخت.

باید توجه داشت که انحلال علم اجمالی در مواردی که ذکر شد تفاوتی نمی‌کند در اینکه منجّز شدن تکلیف در یک طرف معین، متأخر از علم اجمالی باشد یا سابق بر آن، به شرط آنکه معلوم آن هم‌زمان یا سابق بر علم اجمالی باشد.

مقرر: سید حامد طاهری